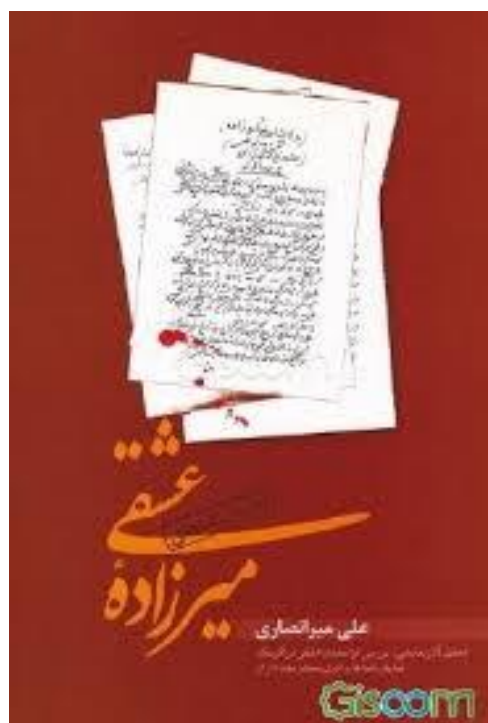


پروپوزال اجرایی: ایده آل  
بهار حبیبی فزون آبادی  
دانشجوی ادبیات نمایشی ۱۴۰۱  
۴۰۱۱۳۲۰۱۱۰۵  
استاد غزل اسکندر نژاد



## فهرست

۳	معرفی نمایشنامه
۴	علت انتخاب نمایشنامه
۵	علت انتخاب فرم بونراکو
۶	معرفی بونراکو
۸	ایده اجرایی

نمایشنامه: ایده آل

عنوان: سه تابلو مریم، و یا ایده آل پیرمرد دهقانی

نویسنده: میرزاده عشقی

سال نگارش: ۱۳۴۲ هجری قمری

در سال ۱۳۴۲ فرج الله بهرامی از نویسندگان خواست ایده آل خود را برای ایجاد یگ حکومت مرکزی مقتدر به دست سردار سپه بیان کنند. این نوشته ها در روزنامه ی شفق سرخ به انتشار رسید. میرزاده عشقی با ابراز مخالفت به وضع حاضر مشروطه، ایده آل خود را به صورت نمایشنامه ای منظوم به انتشار گذاشت و معتقد بود با این اثر آغازگر انقلابی در ادبیات فارسی است.

خلاصه ی نمایش نامه: نمایش نامه از سه پرده یا به تعبیر نگارنده اش از سه تابلو با سلسله ی وقایع پی در پی تشکیل شده است که نگارنده در نقش راوی آن ها را روایت می کند. در تابلوی اول راوی ماجرای شبی را تعریف می کند که در آن دختری در انتظار معشوقه اش است. معشوقه ی دختر می رسد، باهم گرم می گیرند و به اصرار پسر مشغول عشق بازی می شوند. در تابلوی دوم خودکشی دختر پس از رسوایی اش روایت می شود. در تابلوی سوم راوی بر مزار دختر با پدرش هم صحبت می شود و این بار پدر دختر است که از ماجرای سفرهای اش از کرمان به نائین و از نائین به تهران و سپس گیلان برای پیوستن به مشروطه خواهان می گوید و از دست دادن دو پسر و حالا دخترش و در پایان از سلسله ی کارهایی که برای مشروطه کردن اعلام پشیمانی می کند و شکست مشروطه و ناامیدی اش را تصویر می کند.

علت انتخاب نمایشنامه:

از نظر مضمون و هماهنگی با تاریخ:

۱ انقلاب مشروطه و اوضاع امروز ایران: با مطالعه‌ای سطحی از تاریخ دوران قاجار و پهلوی می‌توان شباهات انقلاب مشروطه با انقلاب اسلامی را مشاهده کرد. هرچند هردو انقلاب ظاهراً به جهت‌های مختلفی حرکت می‌کنند اما وجوه اشتراکی دارند. پررنگ‌تر بودن انگیزه‌های فرهنگی و آزادی‌خواهانه (در تقابل با انگیزه‌های اقتصادی و...) در هردو انقلاب دیده می‌شود. هردو شکست خوردند (اگر بخواهیم شکست را با میزان ناامیدی انقلاب‌گران پس انقلاب بسنجیم). و پررنگ‌ترین شباهت آن که هر دو انقلاب، متعلق به ایرانند. با همان مردمان در همان خاک. بررسی رویدادهای معاصر با نگاهی با تاریخ گذشته همواره مفید بوده و بدیهی است که بررسی اوضاع ایران گذشته، برای تماشایی ایرانی ملموس‌تر و مفیدتر از اوضاع فلان کشور اروپایی است.

۲ در تابلوی اول مدرنیته به شکل جوان شهری نمایش داده شده و نهی شده. سنت دختری پاک است که قربانی او شده. حال آن که در تابلوی دوم و سوم، سنت به عنوان نیرویی عقب‌دارنده و متعصب نهی شده. نمایش این دو گانه در کشوری که همواره میان این دو نیرو در جنگ بوده خالی از لطف نیست

۳ پیشینه‌ی غنی شعر در ایران و قابلیت‌های وزنی زبان فارسی، با وضع امروز که مردم از شعر بیگانه‌اند در تناقض است. شاید بتوان با نمایش فرم‌های جدید شعری، در قالب‌هایی که برای مردم پذیرفته شده و سرگرم‌کننده‌اند (همچون نمایش) قدمی به سوی زنده کردن سنت شاعری باشد.

علت انتخاب فرم بونراکو برای نمایشنامه

از نظر فرم و هماهنگی آن با بونراکو:

۱ نمایشنامه‌ی میرزاده‌ی عشقی از نمایشنامه‌ی منظوم ایرانیست. همچون دیگر فرم‌های شرقی بر ریتم و موسیقی وابسته است و استفاده از قابلیت‌های موسیقایی آن برای نمایش اثری منظوم معقول به نظر می‌رسد.

۲ نقش راوی در اثر میرزاده: این اثر از اولین آثاری‌ست که نویسنده در آن هم در نقش راوی و هم به عنوان شخصیتی از داستان در اثر دیده می‌شود. در تابلوی اول میرزاده در حال نگاه کردن به منظره‌ایست که وقایعی را می‌بیند و آنان را برای خواننده شرح می‌دهد. همچنین دیالوگ دیگر افراد هرچند با نام آنان نوشته شده به گویش و لحن و حتی در همان وزن سروده شده که حرف‌های خود میرزاده. ز این موقعیت نمایشی می‌توان در بونراکو استفاده برد زیرا در بونراکو نیز نقش راوی پررنگ است، مستقیماً با تماشاچی سخن می‌گوید و جای تمام عروسک‌ها حرف می‌زند.

۳ سامی‌سن که ساز مخصوص نمایش بونراکوست سازی زهی‌ست که به علت پوسته‌ی روی کاسه‌اش قابلیت استفاده به عنوان سازی کوبشی دارد. این ساز رنج گسترده‌ای از صداها را می‌سازد و زیر دارد و گفته می‌شود. قابلیت‌های منحصر به فرد این ساز شاید بتواند به تنهایی بهترین ساز برای نواختن شعری باشد که داستانش طیف وسیعی از مضامین را در خود جاداده. ستایش طبیعت، عاشقانه، مرگ، انقلابی، ناامیدی و....

۴ توصیف شخصیت‌ها و صحنه‌ها که خالی از المان‌های رمانتیک نیست به شکلی‌ست که در نمایش عروسکی بتوان از آن سود برد.

## بونراکو

عروسک‌بازی سیار و نمایش‌های خیابانی عروسکی در ژاپن سابقه‌ی دیرینی دارند اما نمایش عروسکی به شیوه‌ی آشنای ما به قرن ۱۷م بازمی‌گردد. هنگامی که سرودهای جورروری (اجرای داستان‌های نمایشی به صورت سرود) همراه با عروسک اجرا شد. برجسته‌ترین نمایشنامه نویس عروسکی این دوره چیکاماتسو بود. در آغاز عروسک‌گردان‌ها پنهان می‌شدند و فقط سر عروسک را نمایش می‌دادند. کم کم دست و پا و سپس عروسک کامل اضافه شد. این عروسک‌ها روز به روز پیشرفته‌تر می‌شدند تا جایی که علاوه بر مفاصل دست و پا، ابروان و لب شخصیت‌های محوری نیز محرک شدند. برای گرداندن این عروسک‌ها سه عروسک‌گردان نیاز بود که هر سه در صحنه نمایان می‌شدند و همراهی آنان با عروسک و نمایش از نقاط مثبت بونراکو دانسته می‌شد.

اوج محبوبیت تئاتر عروسکی به قرن ۱۸م بازمی‌گردد. پس از آن این فرم نمایشی جای خود را به کابوکی داد. اومورا بونراکوکن (اصطلاح بونراکو از نام وی گرفته شده) در قرن ۱۹ تلاش به اجرای دوباره‌ی نمایش عروسکی کرد و از قرن ۲۰ تا به امروز انجمن بونراکو در ژاپن این هنر را زنده نگه داشته.

بونراکو بر خلاف دیگر فرم‌های نمایش ژاپنی مثل تئاتر نو (که وام دار ساروگاکو، رقصی آیینی بود) تاکید بیشتری بر درام و متن داشت. نمایشنامه‌های مورد استفاده در تئاتر نو گاه‌ها کوتاه‌تر از پرده‌ی نمایشی غربی بودند و تنها به سیر تغییر رقص‌ها و تصاویر کمک می‌کردند. نمایشنامه‌های مورد استفاده در بونراکو کامل بودند و به سیر گسترده‌ی داستان‌ها (تاریخی، عاشقانه، و...) می‌پرداختند. صحنه‌ی بونراکو دراز و باریک بود که به سه سطح تقسیم شده بود. در سمت راست و مقابل تماشاچیان سکویی متحرک قرار داشت که جایگاه نقال و نوازندگان بود. در آغاز منادی سیاه پوشی (این لباس لباس تمام افراد حاضر در صحنه، شامل دستیاران صحنه و عروسک‌گردانان، بود) نام نمایش، نوازندگان، و گوینده و بخشی از روایت را می‌گفت. گوینده کسی‌ست که جای عروسک‌های سخن می‌گوید و واکنش‌هایی مثل حیرت خنده و گریه را نشان می‌دهد. عروسک‌های بونراکو پیچیده و بزرگند گاه‌ها به ۱ و ۴۰ متر می‌رسند و شخصیت‌های اصلی لبان و ابروان و یا چشم‌های متحرک دارند. شخصیت‌های زن گاه‌ها بدون پا ساخته می‌شوند. ۳ عروسک‌گردان برای

هر عروسک نیاز است و آموزش دیدن این هنر سال‌ها زمان میبرد. (با ۱۰ سال آموزش پای عروسک، با ده سال دیگر دست چپ و در نهایت ماهرترین عروسک‌گردان‌ها سر و دست راست را هدایت می‌کنند.)

## ایده اجرایی

صحنه به ۳ قسمت تقسیم می‌شود. راوی در قسمت راست و نوازندگان در قسمت چپ صحنه جای گرفته‌اند.

وسایل صحنه محدود به ابزاری نمادین است که موقعیت را مشخص می‌کنند. (مثلاً بطری شراب و زیرانداز در تابلوی اول) خلوت بودن صحنه به عروسک‌گردان‌های اجازه‌ی حرکت آزادانه می‌دهد.

عروسک‌ها: عروسک‌ها به اندازه و مکانیک عروسک‌های بونراکو ساخته شده. هر عروسک سه عروسک‌گردان دارد که شبیه راوی لباس پوشیده‌اند پوشش عروسک‌ها ایرانی و برحسب تیپ شخصیت‌ها در زمان است. (دهقان، جوان، دختری روستایی) کشمکش‌های دختر و پسر در صحنه‌ی اول به جای آرامیدن کنار هم را با رقص نمایش می‌دهیم. در تابلوی سوم عروسک پدر به همراه راوی تمامی دیگر عروسک گردانان بر بستر عروسک دختر دیده می‌شود.

در نمایش بونراکو راوی و عروسک گردانان لباس سیاهی پوشیدند (همان‌طور که نقشی در نمایش ندارند). راوی-نویسنده در این اثر وارد داستان شده و با شخصیت‌ها مراوداتی دارد. همچنین در تابلوی اول که تنها به روایت کردن دیده‌هایش مشغول است، به عنوان شخصیتی حقیقی و در نمایش روایت می‌کند. لباسی که برای راوی طراحی شده به تن تمام عروسک‌گردانان پوشانده می‌شود. (تقویت کننده حالت رویایی که این‌ها تصویربست که شاعر به آن جان داده). هنگام طراحی لباس باید دقت کرد که علاوه بر تناسب با شخصیت راوی-نویسنده، از رنگ و فرم شلوغی استفاده نشود تا فوکوس تماشاچی را بیش از حد مورد نیاز به عروسک‌گردان‌ها نکشاند. لباسی که برای راوی و عروسک‌گردانان انتخاب شده، برگرفته از لباس شخصیت‌های معاصر اثر همچون خود میرزاده. کت و شلواری سیاه با کروات و پیرهن ساده است. این انتخاب لباس نه تنها به تنظیم میزان فوکوس تماشاچی به عروسک‌گردان کمک می‌کند بلکه در تابلوی سوم نیز حضور عروسک‌گردانان با چنین لباسی به تنهایی به ایجاد فضای خاکسپاری کمک می‌کند.



می‌توان از ساز سامی‌سن به عنوان تک ساز برای روایت داستان استفاده کرد. این انتخاب به سنت بونراکو نزدیک‌تر است و به نمایش جلوه‌ای اصیل و آیینی می‌دهد.

انتخاب دیگر این است که بسته در هر تابلو از سازها و موسیقی‌های مناسب برای آن صحنه‌ها استفاده کنیم. پیانو و ویولون و قطعات رمنتیک برای تابلوی اول مناسب به نظر می‌رسند زیرا صحنه شامل توصیفات طبیعی و سپس صحنه‌ای عاشقانه است که فراز و فرود بسیار دارد. برای تابلوی دوم می‌توان از سازهای زهی برای تنش و غمی که به زندگی دختر افتاده استفاده کرد و در تابلوی آخر با استفاده‌ای از سازهای کوبشی و ملودی‌های حماسی، موقعیت انقلابی را به ترسیم کشید.

موسیقی پیش از نمایش ضبط و تنظیم شده و نوازندگان ادای نواختن در می‌آورند. (حتی می‌توان با توجه به بودجه، و زمان تمرین، از عروسک‌ها به عنوان نوازندگان استفاده کرد.

این تمهیدات کنار هم فضای غنایی مورد نیاز برای اثر را فراهم می‌آورند.

تمرینات باید عروسک‌گردان‌ها را برای برقراری هارمونی با یک‌دیگر و عروسک‌ها آماده کند.

راوی باید همراه با گروه موسیقی ریتم موزیک هر بخش را با آواز خود همراه سازد.

---

منابع

تاریخ تئاتر براکت

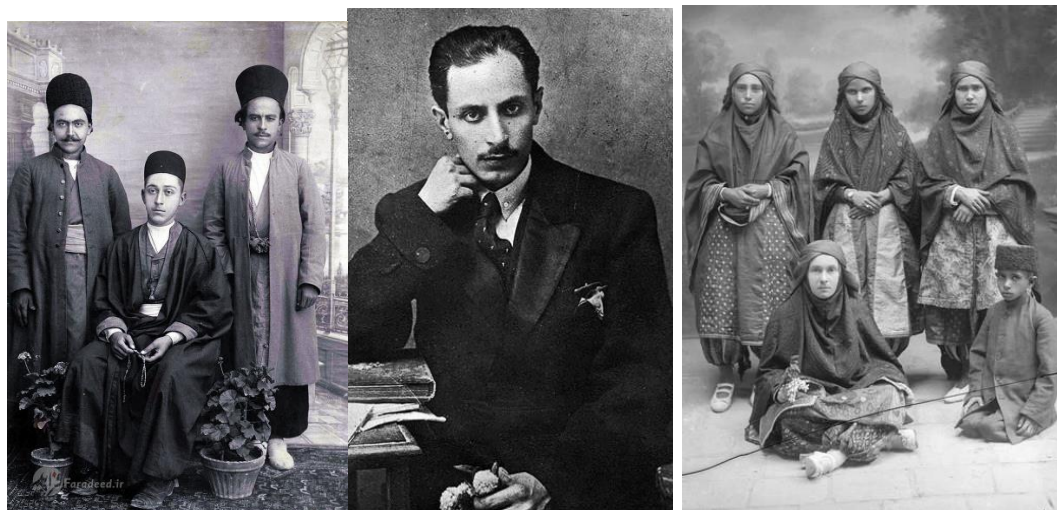
میرزاده عشقی تحلیل و بررسی اثار

نمایش در ایران بیضایی

## تصاویر نمایش عروسی بونراکو



## مثال طراحی لباس



دهقان      راوی - عروسک گردانان

دختر

